

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

# فہم قرآن کریم

آیات درس چہارم و ہفتم کتاب درسی

پایہ نہم

دورہ اول متوسطہ

ویژہ مرحلہ آموزشاہی مسابقات قرآن



وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
ادارہ کل قرآن، عترت و نماز

پیامبر عزیز اسلام سال ششم هجرت تصمیم گرفت به اتفاق مسلمانان به زیارت خانه خدا برود؛ وقتی به حدیبیه (روستایی نزدیکی مکه) رسید مشرکان مکه راه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله بستند و از ورود مسلمانان جلوگیری کردند، بنا شد مذاکره ای صورت بگیرد که به صلح حدیبیه انجامید.

طوفانی از غم و اندوه مسلمانان را فرا گرفت و شک و تردید برای کسانی که ایمان شان ضعیف بود حاکم شد. مسلمانان زیارت نکرده به مدینه بازگشتند اما پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال بود و این حرکت را یک پیروزی می دانست، اینجا بود که این آیات نازل شد قرآن می فرماید: ما با صلح حدیبیه پیروزی درخشانی نصیب کردیم تا خدا پیامد منفی کارهای گذشته و آینده را بپوشاند و نعمت هایش را با فتح مکه بر تو تمام کند و مسیر پیشرفت اسلام را برایت همواره سازد و بالاخره پیروزی بی نظیری نصیب کند.

اسلام از روز اول مردم جهان را به صلح و دوستی و فلاح و رستگاری دعوت می کرد؛ این مشرکان بودند که در مکه مسلمانان را تحت فشار می گذاشتند و آنها را شکنجه می کردند و وقتی به مدینه مهاجرت کردند پی در پی جنگ ها را بر مسلمانان تحمیل کردند. منطق مسلمانان این بود که نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید.

بارها مسلمانان عهدنامه هایی را با مشرکان و یهودیان امضا کرده بودند اما آنها یک طرفه عهد شکنی می کردند پس از همین صلح حدیبیه هم آن ها عهد شکنی کردند و به تعهدات خود پایبند نبودند، نتیجه این شد که دو سال بعد مسلمانان با قدرت وارد مکه شدند و با عزت به اهداف خود رسیدند.

ولی بسیاری از مسلمانان از این صلح که مقدمه یک پیروزی بود ناراحت بودند.

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله خشونت به خرج میداد پیامدهایی به دنبال داشت که به ضرر مسلمانان تمام می شد خداوند با این صلح پیامدهای منفی و مضر را پوشاند.

موضوع مهم روحیه مسلمانان بود که قرآن می فرماید: اوست که آرامش را در دل مسلمانان انداخت تا ایمان خودشان را از اینکه هست بیشتر کنند زیرا لشکر آسمان و زمین از آن خداست و خداوند دانا و حکیم است .

پیامبر صلی الله علیه و آله خوابی دیده بود که با یارانش وارد مسجدالحرام می شوند؛ بیشتر اصحاب فکر می کردند تعبیر خواب این است که امسال در همین سفر خواهد شد اما نشد و زیارت نرفتند.

مسلمانان از بعضی از بند های صلح نامه هم ناراحت بودند اما لطف خدا شامل حال مسلمانان شد و آرامش به دل های آنها برگشت و با وعده های الهی از قبل هم محکم تر شدند، البته ایمان های آدم ها درجات دارد نمی توان توقع داشت همه در یک درجه از ایمان باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان همچون نردبان پله دارد؛ مسئولیت هر کس به نسبت ایمان اوست، نباید از همه یک انتظار داشته باشیم؛ در صلح حدیبیه بعضی تسلیم پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، بعضی در پیامبری او شک کردن و بعضی در دل از تصمیم پیامبر ناراحت شدند؛ ولی بشارت الهی همه را آرام کرد، بله خدا آرامش را در دل مردان و زنان مسلمان انداخت تا اینکه در نهایت در باغ های پر درختی جایشان بدهد که در آن جوی های روان است و در آنجا ماندنی اند تا اینکه گناهانشان را محو کند این سرانجام از نظر خدا کامیابی ارزشمندی است.

در برابر مومنان، منافقان و مشرکان بی ایمان بودند منافقانی که به زبان می گفتند ایمان داریم اما در دل باور نداشتند و به خاطر همین حالت زشت دورویی و چند زبانی به مسلمانان آسیب می زدند قرآن درباره این ها می فرماید :

خداوند مردان و زنان منافق و بت پرستی را عذاب می‌کند که با بدگمانی به خدا در انتظار حوادث ناگوار برای پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش بودند از قضا پیامدهای ناگوار نصیب خودشان شد و خشم و لعنت خدا نثارشان، خداوند جهنم را برای ایشان آماده کرد و آن بد سرانجامی است. لشکریان، آسمان و زمین از آن خداست و خداوند شکست ناپذیر و کار درست است. سوءظن و بی اعتمادی به خدا چیزی است که بارها در قرآن مطرح شده که بیماری افراد بی ایمان یا دارای ایمان ضعیف است مخصوصاً وقتی حوادث سخت اجتماعی پیش می‌آید بعضی‌ها خودشان را می‌بازند و یاس و ناامیدی تمام وجودشان را می‌گیرد و دل بقیه مردم را خالی میکنند. منافقین در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در همه حوادث و جنگ‌ها پیام منفی ارسال می‌کردند و مسلمانان را می‌ترساندند و بذر ناامیدی می‌پاشیدند، اما مومنان صابر به وعده‌های خدا امیدوار و سرشار از قدرت و امید بودند قرآن کریم بدبینی به خدا را یکی از نشانه‌های جاهلیت می‌داند (ظن الجاهلیه).

امام رضا علیه السلام فرمود: گمان خود را به خدا خوب کن چون که خداوند بزرگ می‌فرماید من کنار گمان خوب بنده ام هستم هرگاه گمان نیکی نسبت به من داشته باشد به نیکی با او رفتار می‌کنم.

قرآن کریم درباره جنگ احزاب که تمام گروه‌ها و گروهک‌ها به جنگ اسلام آمده بودند و مدینه را محاصره کرده بودند و مسلمانان به پیشنهاد سلمان فارسی دور مدینه را خندق کنده بودند در سوره احزاب آیات ۱۰ و ۱۱ می‌فرماید: یادتان هست که آنها از بالا و پایین مدینه به شما یورش بردند چشم‌ها از شدت ترس خیره مانده بود و جان‌ها به گلو رسیده بود بعضی گمان‌های بد درباره خدا در سر می‌پروراندند آنجا بود که مسلمانان در معرض امتحان قرار گرفتند و دچار اضطراب شدید شدند.

مسلمانان در حال کندن خندق بودند گروهی به صخره ای رسیده بودند که از جا کنده نمی شد از پیامبر صلی الله علیه و آله کمک خواستند، پیامبر جلو آمد و با چند ضربه صخره را چند تکه کرد و فریاد الله اکبرش بلند شد رزمندگان پرسیدند آیا جبرئیل نازل شد که شما الله اکبر گفتید فرمود: در پرتو جرقه هایی که از این سنگ ها جهید جبرئیل کاخ های شاهان روم و ایران و یمن را به من نشان داد؛ که همه فهمیدند یعنی اسلام تا قلب اروپا و آسیا پیش خواهد رفت اما وقتی این خبر به منافقین رسید شروع کردند به مسخره کردن و گفتند شما اگر راست میگویید همین مدینه را حفظ کنید روم و ایران پیشکش، اما دیری نپایید که مسلمانان در احزاب پیروز شدند، مکه را فتح کردند، آوازه اسلام به اقصی نقاط جهان رسید؛ سفیر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد قصر قیصر روم شد و نامه پیامبر صلی الله علیه و آله را تسلیم او کرد و با هدایایی به سوی پیامبر اسلام برگشت. در داستان صلح حدیبیه هم که بعضی بدبین بودند خوشبختانه مسلمانان پس از دو سال با عزت و قدرت مکه را فتح کردند، قلعه های خیبر را فتح کردند و پیروزی های پی در پی نصیب آنان شد این نتیجه ایمان قوی و گمان خوب به خدا و امید به وعده های خدا بود.

خطر بزرگ که در این آیات به آن اشاره شده خطر منافقین است که در همه زمان ها هستند و در داخل جامعه اسلامی زندگی می کنند و از پشت خنجر میزنند؛ ظاهری اسلامی دارند و همیشه توقع دارند به رفاه آنها برسند تا خبر تلخی در جامعه اسلامی پیش می آید خوشحال می شوند و تا خبر خوبی و نشانه موفقیت و پیشرفتی اعلام می شود شاد نمی شوند. پیامبر اسلام فرمود: من از مومن نمیترسم چون مومن آزارش به کسی نمی رسد از مشرک هم نمیترسم شجاعانه به جنگ او میروم اما از منافق میترسم او با زبان نرم و کلمات فریبنده زهرش را می ریزد. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱۴۶ می فرماید: جایگاه منافقین در جهنم در پایین ترین جای جهنم است.

باتوجه به جمله (الظانین بالله ظن السوء) در مورد گمان بد، همانطور که «حسن ظن» تقسیم سه گانه ای دارد «سوء ظن» هم به سه نوع تقسیم می شود: گاهی نسبت به خویشان است، گاهی نسبت به دیگران، و گاه نسبت به خدا

### چه کسانی به خدا سوء ظن دارند؟

**سوء ظن نسبت به خویشان:** در صورتی که به حد افراط نرسد نردبان تکامل است، و سبب می شود که انسان نسبت به اعمال خود سختگیر و موشکاف باشد، و جلوی عجب و غرور ناشی از اعمال نیک را می گیرد.

**سوء ظن در مورد مردم:** این ممنوع است، مگر در مواقعی که فساد بر جامعه غلبه کند که در آنجا خوش باوری درست نیست.

**سوء ظن نسبت به خداوند:** یعنی نسبت به وعده های او، نسبت به رحمت و کرم بی پایان او گمان بد ببریم که بسیار زشت و زننده است، و نشانه ضعف ایمان و گاه نشانه عدم ایمان است.

قرآن مکررا از سوء ظن افراد بی ایمان و یا ضعیف الایمان، مخصوصا به هنگام بروز حوادث سخت اجتماعی و طوفانهای آزمایش یاد می کند، که چگونه مؤمنان در این مواقع با حسن ظن تمام، و اطمینان به لطف پروردگار ثابت قدم میمانند اما افراد ضعیف و ناتوان زبان به شکایت می گشایند.

تا آنجا که در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است: هیچ بنده ای گمان نیک به خدا نمی برد مگر اینکه خداوند طبق گمانش با او رفتار می کند!!

اگر ایمان هیچ ثمری جز همین مسأله آرامش نداشت، کافی بود که انسان با تمام وجود از آن استقبال کند، تا چه رسد به ثمرات و برکات دیگر.

بررسی حال مؤمنان، و افراد بی ایمان، روشنگر این حقیقت است که



گروه دوم در یک حال اضطراب و نگرانی دائم به سر میبرند، در حالی که گروه اول از اطمینان خاطر بی نظیر بهره مندند، و در سایه آن: هرگز از کسی جز خدا نمی ترسند: و لایخشون احدا الا الله (احزاب - ۳۹).

هرگز ملامتها و سرزنش این و آن در اراده آهنینشان اثر نمی گذارد و لایخافون لومۀ لائم (مائده - ۵۴).

هرگز به خاطر آنچه از دست داده اند غمگین نمی شوند، و به آنچه دارند دلبستگی شدید ندارند، و این دو اصل سبب می شود که آرامش روحی آنها به خاطر گذشته و آینده متزلزل نشود لکیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم (حدید - ۲۳).

و بالاخره هرگز در برابر حوادث سخت سست نمی شوند، و اندوهی به خود راه نمی دهند، و همواره خود را برتر از دشمن می بینند: و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین (آل عمران - ۱۳۹).

مؤمن در میدان حوادث خود را تنها نمی بیند، دست لطف و حمایت خدا را دائما بر سر خویش احساس می کند، و یاری فرشتگان را در وجود خویش لمس می کند.

در حالی که اضطراب حاکم بر افراد بی ایمان از خلال گفتار و رفتارشان مخصوصا به هنگام وزش طوفانهای حوادث کاملا محسوس است.

در ذیل آیه ۷ سوره فتح دو جمله خواندیم که هر کدام بیانگر یکی از عوامل ((سکینه)) و آرامش مؤمنان است: نخست جمله ((و لله جنود السموات و الارض)): (لشکریان آسمانها و زمین از آن خدا و تحت فرمان اویند) سپس جمله ((و کان الله علیما حکیما)) (خداوند علیم و حکیم است).

اولی به انسان می گوید اگر با خدا باشی تمام قوای زمین و آسمان با تو است، و دومی به او می گوید: خداوند هم نیازها و مشکلات و گرفتاریهای تو را می داند و هم از تلاشها و کوششها و اطاعت و بندگی تو با خبر است.

و با ایمان به این دو اصل، چگونه ممکن است آرامش خاطر بر وجود انسان حاکم نگردد؟.

✓ امام علی علیه السلام: یاد خدا عقل را آرامش می دهد، دل را روشن می کند و رحمت او را فرود می آورد.

✓ امام سجاد علیه السلام: خداوندا، دلها جز با یاد تو آرام نمی گیرد و جانها جز با دیدن تو، به آرامش نمی رسد.

## آیات و ترجمه

سوره فتح  
آیات ۹-۱

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ترجمه	آیات
ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!	إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾
غرض این بود که خداوند گناهان گذشته و آینده‌های را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند، و به راه راست هدایتت فرماید.	لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾
و پیروزی شکست‌ناپذیری نصیب تو کند.	وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾
او کسی است که سکینه و آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان افزوده شود، لشکر آسمانها و زمین از آن خدا است، و خداوند دانا و حکیم است.	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾
هدف (دیگر از این فتح مبین) آن بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر درختانش جاری است، و گناهان آنها را ببخشد، و این نزد خدا پیروزی بزرگی است.	لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾
و نیز مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند، حوادث سوئی (که برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود، خداوند آنها را غضب کرده، و آنها را از رحمت خود دور ساخته، و جهنم را برای آنها آماده کرده، و چه بد سرانجامی است.	وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾
لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خدا است، و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است.	وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾
ما تو را به عنوان گواه و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم.	إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾
تا به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید، او را بزرگ دارید و خدا را صبح و شام تسبیح کنید.	لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾





## درس هفتم

## فلسفه وجود پیامبران<sup>۱</sup>

گرچه انسان گاهی با فکر و عقل و گاهی با علم و مطالعه و گاهی با مشورت و گاهی با تجربه خود و دیگران می تواند راه حق را پیدا کند اما بسیاری از اوقات پیدا کردن راه حق نیاز به آگاهی کامل انسان از گذشته و حال و آینده دارد و این آگاهی ها تنها در اختیار آفریدگار انسان است به همین دلیل مردم با اینکه علم و عقل و تجربه دارند در طول عمرشان صدها بار از کرده خود پشیمان می شوند این پشیمانی نشانه ناقص بودن آگاهی های انسان است خداوند از روی علم پیامبران را فرستاده تا مردم را راهنمایی کرده و به سعادت برساند تنها پیامبرانند که هرگز پشیمان نمی شوند چون سخن آنها سخن خداست و از علم بی نهایت خدا سرچشمه می گیرد.

پیامبران از مردم و با مردم و در مردم و مثل مردم زندگی می کردند در کوچه و بازار راه می رفتند و نیازها و مشکلات مردم را درک می کردند از روی محبتی که به مردم داشتند با آنها صادق بودند و امین بودند و برای هدایت آنها جانفشانی می کردند در این سوره می خوانیم که ما پیامبران مان را با دلیل های روشن فرستادیم و همچنین کتابهای آسمانی را فرستادیم و دین را که معیار سنجش است تا مردم به عدالت رفتار کنند آهن را که در ساختن تجهیزات نظامی و غیرنظامی به درد میخورد آفریدیم تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند خداوند قوی و شکست ناپذیر است.



چه کسی قانون بنویسد؛ به هر کسی بگوییم به نفع خود می نویسد قدرتمند آن را به نفع خود، ثروتمندان به نفع خود، دانشمندان هم تحت تاثیر مراکز قدرت و ثروت هستند علاوه بر اینها کسانی که انسان را به خوبی بشناسند گذشته و آینده را بشناسند را در دسترس نداریم. پس باید برویم به سراغ آفریدگار انسان و قانون را از او بگیریم.

پیامبران میزانی بدست بشر می دهند که می تواند درست را از نادرست تشخیص دهد پیامبران با سه وسیله مجهز به میان جامعه بشری آمده اند دلایل روشن، کتاب آسمانی و معیار سنجش حق از باطل.

و هدف از آمدن پیامبران با این تجهیزات همان اجرای عدالت است تا هر کسی به حق خود برسد و بتواند رشد کند و همه دارایی ها یکجا جمع نشود. برای اجرای عدالت علاوه بر قانون آهن یعنی شمشیر لازم است یعنی کسی که زیر بار قانون نمی رود و به حق خود قانع نیست و می خواهد به حق دیگران تجاوز کند باید با شدت عمل، جلوی او را گرفت.

در آیه بعد می فرماید نوح و ابراهیم را برای راهنمایی مردم فرستادیم و به نسل آنها نعمت پیامبری، کتاب آسمانی را به امانت گذاشتیم بعضی هایشان راه درست را پذیرفتند ولی خیلی از آنها منحرف شدند.

حضرت نوح پیامبری صبور و دلسوز که بیش از ۹۰۰ سال مردم را به خداپرستی دعوت کرد و خسته نشد و حضرت ابراهیم پیامبری بزرگ که با ستاره پرستان، ماه پرستان و خورشید پرستان به گفتگو نشست، آنگاه به سراغ بت پرستان آمد و از دعوت آنها به خداپرستی خسته نشد و موفق شد به لطف خدا بذر خدا پرستی را در جهان پاشد.

و خداوند او را و پیروانش را الگوی خوبی برای ما معرفی فرموده است (سوره

ممتحنه آیه ۴) پیامبران با دلایل روشن و کتاب و معجزه به سراغ مردم رفتند مردم هم بعضی ایمان آوردند و بسیاری مقابل پیامبران ایستادند و مخالفت کردند و گمراهی را برگزیدند و این آزمون بزرگ انسان است که خداوند او را انتخاب گر آفریده کار پیامبران راهنمایی و رساندن پیام های خداست ولی انتخاب با خود مردم است که آیا حق را انتخاب کنند یا باطل را.

اگر به حرف عقل گوش کنند به سراغ خدا خواهند رفت و اگر دنبال هوس باشند شیطان را برمی گزینند.

پس از حضرت ابراهیم قرآن کریم اشاره ای به سایر پیامبران کرده میفرماید بعد به دنبال آنان پیامبران دیگر مان را یکی پس از دیگری آوردیم تا اینکه عیسی بن مریم را فرستادیم به او انجیل دادیم و در دل پیروانش انداختیم که به همدیگر محبت و مهربانی کنند یکی از پیام های مهم پیامبران که از طرف خدا برای مردم آوردند پیام مهربانی بود که مردم به همدیگر محبت کنند از داخل خانه گرفته فرزندان به والدین، والدین به فرزندان، همسران به یکدیگر و بستگان به یکدیگر مهربانی کنند تا برسد به همسایگان و همسفران و همشاگردی ها و هموطنان و همشهریان و... .

پیامبران خودشان مظهر مهربانی بوده اند و دینداری را در دوست داشتن دیگران می دانستند مسیحیان همدیگر را دوست می داشتند اما گروهی کینه توز بودند تا اینکه جمعی برای کشتن حضرت عیسی توطئه کردند و چوبه داری را آماده کردند و به گمان خودشان حضرت عیسی را به دار آویختند اما قرآن میفرماید: اشتباه کردند و فرد دیگری را به دار آویختند و حضرت عیسی به فرمان خدا به آسمانها رفت تا زمانی که خدا بخواهد و باز گردد (سوره نساء آیات ۱۵۷ و ۱۵۸) پس از به آسمان رفتن حضرت عیسی گروهی از مسیحیان انقلابی با ستمگران مبارزه کردند اما مبارزه آنها به نتیجه نرسید چند بار هم تکرار کردند ولی بی نتیجه

ماند تصمیم گرفتند مبارزه با ظلم و ستم را کنار بگذارند و فقط به سراغ عبادت بروند قرآن کریم می فرماید:

آنها نوعی گوشه نشینی و ترک دنیا را از خودشان در آوردند که ما آن را برای ایشان واجب نکرده بودیم درست است که انگیزه شان از گوشه نشینی به دست آوردن رضای خدا بود ولی حدش را آن طور که باید و شاید رعایت نکردند در نهایت پاداش مومنان واقعی شان را دادیم اما خیلی ها شان منحرف شدند.

درایه بعد قرآن کریم به مسلمانان می فرماید: مسلمانان؛ در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و به پیامبرش ایمان واقعی بیاورید تا از رحمتش دو چندان به شما عطا کند و نوری درخشان جلوی پایتان بتاباند که به برکتش در مسیر درست راه بروید و تا اینکه شما را بیامرزد که او آمرزنده مهربان است. این پاداش دو چندان برای آنان است که، اهل کتاب خیال نکنند مسلمانان حتی به چیزی که از لطف خدا دسترسی ندارند آخر لطف خدا همش دست خداست به هر که شایسته بداند می دهد چون خدا لطف بسیار دارد .

رسول خدا جعفر بن ابی طالب را با هفتاد و چند نفر به سوی نجاشی پادشاه حبشه فرستاد. او نزد نجاشی رفت و اسلام را بیان و آنها را دعوت به اسلام کرد آنها هم قبول کردند و به هنگام بازگشت ۴۰ نفر از مسیحیان تازه مسلمان را با خود به مدینه آورد وقتی وارد مدینه شده و فقر مالی مسلمان ها را دیدند به رسول خدا گفتند ما در کشور خود اموال زیادی داریم اگر اجازه بفرمایید به کشور خود بازگردیم و اموال خود را آورده بین مسلمانان تقسیم کنیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه فرمود؛ رفتند و اموال خود را آوردند، میان خود و مسلمین تقسیم کردند.



## آیات و ترجمه

سوره حدید  
آیات ۲۹-۲۵

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### ترجمه

### آیات

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و منافی برای مردم، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کنند بیآنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در دودمان آنها نبوت و کتاب قرار دادیم بعضی از آنها هدایت یافته اند، و بسیاری از آنها گنهکارند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶)

سپس به دنبال آنها رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنها عیسی بن مریم را مبعوث کردیم، و به او انجیل عطا کردیم، در دل کسانی که از او پیروی کردند رفت و رحمت قرار دادیم، و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، و ما بر آنها مقرر نداشته بودیم، گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آنرا رعایت نکردند، لذا ما به آنها که ایمان آوردند پاداش دادیم، و بسیاری از آنها فاسقند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید، و به رسولش ایمان، بیاورید، تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد، و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید، و گناهان شما را ببخشد، و خداوند غفور و رحیم است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸)

تا اهل کتاب بدانند که آنها قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند، و فضل (و رحمت) تماما به دست او است به هر کس بخواهد می بخشد و خداوند دارای فضل عظیم است.

لَيْتَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَفْخِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)



## ایستگاه تفکر

- با اینکه پیامبر به حکم مقام عصمت از هر گناهی پاک است منظور از این جمله «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» (خداوند گناهان قبل و بعد تو را ببامرزد) چیست؟
- به نظر شما هدف اصلی بعثت انبیاء «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ» چیست؟
- منظور از دو سهمی که خدا به افرادی که ایمان آورده اند می بخشد «كَفَلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ ...» چه چیزی است؟

آینده سازان سرزمینم: سوره های قرآن پر از داستان ها و موضوعات پرهیجان و جذاب است. با همکلاسی ها و دوستان مدرسه و محل خود و با کمک معلم و مربی مدرسه یا روحانی محل سایر داستان ها رو مطالعه کنید و یا نمایش یا تئاتری از این داستان ها تولید کنید.



نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
قصه های خوب برای بچه های خوب	مهدی آذریزدی	امیرکبیر	نوجوانان
داستان های قرآنی	مجید مهری	آیین دانش	کودکان و نوجوانان
کتاب قصه های قرآن	معصومه بیگم آزرمی	وحدت بخش	عموم